

## یک گنج حقیقی

آقایی می خواست به مسافرت برود ، پس غلامان خود را صدا کرد و ثروتش را به ایشان سپرد.  
به اولی پنج کیسه طلا سپرد به دومی دو کیسه و به سومی یک کیسه.



آنکه پنج کیسه داشت با آن کار کرد و پنج کیسه دیگر سود برد. آنکه دو کیسه داشت با آن کار کرد و دو کیسه دیگر سود برد و اما آنکه یک کیسه داشت آن را در گوشه ای گذاشت.

وقتی آقا از مسافرت برگشت غلام اول پنج کیسه را نشان داد و پنج کیسه ای که سود برده بود را هم به آقایش داد و او را خوشحال کرد. آقایش هم به او شادی بسیاری داد. همینطور غلامی که با دو کیسه اش ، دو کیسه دیگر نیز سود برده در شادی آقایش شریک شد.

اما سومی که هیچ کاری نکرده بود تا سودی ببرد ، آقایش دستور داد تا آنچه را که داشت هم از او پس بگیرند و او را تنها گذاشتند.

(انجیل متی ۱۴/۲۵-۳۰)

با این مثل هم عیسی از ما می خواهد تا با زندگی برحسب انجیل مردمان خوشبختی بشویم.

### یک گنج حقیقی

عیسی در این مثل از ما نمیخواهد که فقط دنبال پول باشیم.  
زیرا از نظر عیسی پول و ثروت بهترین راه خوشبخت شدن نیستند.

### معنی این مثل

می توان گفت که آقای این غلامان - همان خداوند است و غلامان او هر یک از ما هستیم. گنجی که خدا به ما سپرده است "کلام او" می باشد. خدا از هر یک از ما می خواهد تا برحسب "کلامش" زندگی کنیم زیرا کلام خدا زنده است و ثمره بسیار می آورد.

مثلاً یکدیگر را دوست داشته باشیم - به هم اطمینان کنیم ، همدیگر را ببخشیم.

این مثل به ما می آموزد که اگر آنچه را انجیل می گوید زندگی کنیم زندگی ما پر ثمر میگردد.